



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران
دانشکده پرستاری و مامایی

عنوان:

**بررسی مقایسه‌ای تاثیر روایت درمانی و افشای هیجانی بر تنظیم هیجانات و
عواطف ناخوشایند در مادران کودکان مبتلا به لوسمی**

نگارنده:

فریاد حمزه‌ای

استاد راهنما:

دکتر ترانه تقوی

استاد مشاور:

دکتر سهیل رحیمی

شهریور ۱۳۹۸

چکیده

پیش‌زمینه: تشخیص سرطان در کودک، معمولاً همراه با آغاز یک دوره شوک، سردرگمی و خلأ برای والدین است. وقوع بیماری مزمن در یکی از فرزندان خانواده می‌تواند بحرانی برای کل خانواده به شمار آید و تمامی اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. مادران دارای کودک مبتلا به سرطان، رویدادهای پراسترس و وضعیت‌های پیوسته و دنباله‌داری از اضطراب را تجربه می‌کنند. بررسی عواطف ناخوشایند و تغییر هیجانی مادران از آنجا اهمیت دارد که کودک با توجه به درجه تکاملی خود می‌تواند اضطراب و تنش را از مادر دریافت کند، به‌طوری‌که کودکان دارای والدین افسرده نسبت به والدین سالم بیشتر در بیمارستان بستری می‌شوند و میزان مرگ‌ومیر بالاتری دارند.

هدف: هدف از این مطالعه بررسی مقایسه‌ای تأثیر روایت درمانی و افشای هیجانی بر تنظیم هیجانات و عواطف ناخوشایند در مادران کودکان مبتلا به لوسمی بود.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه‌ای کار آزمایشی بالینی تصادفی شده است. جامعه پژوهش کلیه مادران دارای کودک مبتلا به لوسمی بودند که به بیمارستان‌های بهرامی و مرکز طبی کودکان مراجعه نمودند. نمونه‌گیری به روش در دسترس و بر اساس معیارهای ورود و خروج انجام شد. پس از انتخاب، بیماران به روش تخصیص تصادفی بلوکی به سه گروه (گروه ۱) مداخله روایت درمانی به صورت گروهی، گروه ۲ مداخله افشای هیجانی به صورت فردی و گروه ۳ کنترل) تخصیص یافت. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های خود گزارشگر اطلاعات دموگرافیک و تاریخچه بیماری، پرسشنامه‌های تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و پرسشنامه استرس، افسردگی و اضطراب ۲۱ - DASS بود. در نهایت اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و میزان تأثیر مداخله‌ها بررسی و مقایسه شد.

نتایج: بطور کلی بیش از ۷۵٪ مادران دارای افسردگی شدید بودند و کنترل هیجان متوسط داشتند. در گروه روایت درمانی افسردگی شدید مادران به درجه متوسط و خفیف کاهش و تنظیم هیجان از متوسط به قوی افزایش یافت (به میزان ۷۰٪). در گروه افشای هیجانی افسردگی شدید و بسیار شدید به متوسط، خفیف و عادی کاهش یافت (حدود ۷۷٪)، همچنین در این گروه کنترل هیجان با افزایش ۷۶ درصدی به بالاترین میزان خود یعنی ۱۰۰٪ رسید. یافته‌های آماری نشان داد که افشای هیجانی بیشتر از روایت درمانی در بهبود اضطراب، افسردگی و استرس و کنترل هیجان مادران موثر است.

نتیجه‌گیری: آموزش تنظیم هیجان موثرتر از روایت درمانی سبب کاهش اختلالات افسردگی، استرس و اضطراب در مادران گردیده و سبب افزایش تنظیم هیجان به دلیل برخوردار بودن از تکنیک‌هایی نظیر آگاهی از هیجانات، پذیرش هیجانات و باز ارزیابی و ابراز مناسب هیجانات شد.

کلیدواژه‌ها: روایت درمانی، افشای هیجانی، مادران کودکان مبتلا به لوسمی



**Tehran University of Medical Science
School of Nursing and Midwifery**

Title:

**Assess Comparison the Effects of Narrative Therapy and
Emotional Disclosure on Emotional Regulation and Unpleasant
Emotions in Mothers of Children with Leukemia**

By:

Faryad Hamzeei

Supervisor:

Dr. TARANEH TAGHAVI

Advisor:

Dr. Soheil Rahimi

SEP. 2019

Abstract

Background: Diagnosis of cancer in a child is usually accompanied by a period of shock, confusion and empathy for parents. The onset of chronic illness is a family member of the family for all family members. Mothers with a child with cancer, prenatal events and coma states experience anxiety. Examining unpleasant emotions and emotional changes in mothers is important because the child can get anxiety and tension from mother. Children with depressed parents are more likely to be admitted to the hospital than their normal parents and have a higher mortality rate.

Objectives: The purpose of this study was to assess comparison the effects of narrative therapy and emotional disclosure on emotional regulation and unpleasant emotions in mothers of children with leukemia.

Methods: This is a randomized clinical trial study. The research population was all mothers with children with leukemia who referred to Mahak. Sampling was done in an accessible manner. Patients were divided into three groups (group 1, narrative therapy intervention group, group 2, emotional disclosure intervention, and control group 3). The research instrument consisted of demographics and disease history self-reported questionnaire, Karnovsky's cognitive-emotional regulation questionnaire, and DASS 21 questionnaire. Data were analyzed using SPSS software version 16 and the effectiveness of the interventions was evaluated and compared.

Results: More than 75% of mothers with severe depression had moderate excitement control. In group 1, severe mild depression decreased to moderate and mild levels, and the excitement setting increased from moderate to severe (70%). In group 2, severe and severe depression became moderate, mild and normal depression (about 77%), in this group, the emotional control reached its highest level of 100% (76% increase).

Conclusion: Emotion regulation was more effective than narrative therapy and decreased depression, stress and anxiety in mothers and increased emotional regulation due to the use of techniques such as awareness of emotions, acceptance of emotions, and re-evaluation and appropriate emotional expression.

Key words: Narrative Therapy, Emotional Disclosure, Mothers of Children with Leukemia